

شرق روزنامه

امیدهای برپادرفته شیعیان عربستان

دیده‌بان حقوق بشر در گزارش سالانه خود (سال ۲۰۱۲) نوشت بیروان دو طایفه شیعه و اسماعیلیه در عربستان از تبعیض‌های شدید رنج می‌برند. به گفتهٔ این سازمان بین‌المللی مدافع حقوق بشر هرکس از شیعیان به صورت علنی اعتقادات خود را بر زبان آورد، به‌خصوص در مکه و مدینه ممکن است بازداشت شود. این سازمان در گزارش سالانه خود اعلام کرد تبعیض رسمی علیه شیعیان شامل «فعالیت‌های دینی و تربیتی و حتی سیستم‌های قضائی» می‌شود. مقامات حکومتی به‌عمد «شیعیان را از بعضی از مشاغل عمومی» کنار زده و مخالف ابراز علنی مذهبان هستند؛ سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که رابطه شیعیان با حاکمان سعودی چگونه است؟

انضمام احساء و قطیف

۱۲ آوریل ۱۹۱۳ بود که آل‌سعود الهفوف (مرکز استان احساء) را بعد از یک مقاومت ضعیف که مورد حمایت ترکیه نیز بود، اشغال کرد. موضع‌گیری بزرگ‌ترین مجتهد شیعی یعنی «شیخ موسی بو خمسین» و تعداد دیگری از شخصیت‌های منطقه مبنی بر عدم مقاومت، نقش تعیین‌کننده‌ای در پیروزی سریع عبدالعزیز آل‌سعود داشت. او بعد از پیروزی توافقی را ر رهبران شیعه امضا کرد که به موجب آن «آزادی دینی اهالی» و «امنیت و مساوات» آنها را تأمین و در مقابل آنها نیز ارادتشان را به خاندان آل‌سعود ابراز کنند و تابع دولت جدید باشند. به دنبال اشغال الهفوف، عبدالعزیز آل‌سعود گروهی ۱۰نفری به رهبری «ابن سویلیم» را به قطیف فرستاد تا برای ورود مسالمت‌آمیز به آنجا گفت‌وگو کنند. مرجعیت دینی و رهبری سیاسی قطیف بین مقاومت و جلوگیری از خونریزی و در نتیجه تسلیم‌شدن، تردید داشتند تا اینکه «شیخ علی ابوعبدالکریم الحنزی» که مخالف مقاومت بود و می‌گفت نباید خونری ریخته‌شود، موضوع را فیصله داد. به‌این‌ترتیب شاهزاده «عبدالرحمان بن سولیم» فرستاده ابن سعود به قطیف موفق شد در تاریخ ۱۵ می ۱۹۱۳ این منطقه را نیز تصرف کند. تصرف دو بخش احساء و قطیف که دارای وسعت جغرافیایی و ثروت‌های زیادی (حتی قبل از اکتشاف نفت) بودند، قدرت جدیدی به دولت تازه‌تأسیس عربستان سعودی داد. نیروهای حامی ترک که در این دو منطقه مستقر بودند، مجبور به ترک آنجا از طریق دریا شدند. ابن سعود سعی کرد با آشتی و دعوت به هم‌زیستی مسالمت‌آمیز تمایل منطقه را متوجه خود کند. او همچنین توافقاتی را امضا کرد که به موجب آن نباید به اعتقادات اهالی خدشه‌ای وارد می‌شد یا امنیت آنها مورد تعرض قرار می‌گرفت. ابن سعود بعدها شیخ علی الحنزی را به‌عنوان قاضی کبیر منطقه تعیین کرد و او به صورت مساوی بین شیعیان و اهل تسنن قضاوت می‌کرد. ابتکار عملی که با روش و مذهب افراطی وهابی کاملاً در تناقض بود. تبار شیعیان عربستان و حضورشان در شرق شبه‌جزیره به اواخر قرن سوم هجری برمی‌گردد. یعنی زمانی که قرمطی‌های وابسته به فرقه اسماعیلیه بر این منطقه مسلط شدند. این منطقه در گذشته تحت عنوان بحرین شناخته می‌شد. امروزه سه منطقه بحرین، قطیف و احساء از مهم‌ترین مراکز شیعیان در شبه‌جزیره عربستان به شمار می‌روند. جمعیت شیعیان عربستان به حدود ۱۵ درصد از کل جمعیت این کشور می‌رسد. جمعیت عربستان در سال ۲۰۱۵ حدود ۳۱ میلیون نفر برآورد شد. شهروندان سعودی بیش از ۲۰ میلیون نفر از این جمعیت را تشکیل می‌دهند. شیعیان در سایر مناطق از جمله مدینه، عسیر، جیزان، نجران (در جنوب) و جدّه، ینع (در غرب) ساکن هستند و گرایش اصلی‌شان امامیه (اثنی‌عشری) و پس از آن اسماعیلیه و زیدیه است.

نفت

پس از کشف نفت در عربستان سعودی در می ۱۹۳۳، پادشاه در فرمانی ملوکانه به شرکت استاندارد اویل کالیفرنای آمریکا امتیاز کاوش برای نفت در منطقه الشریقه را واگذار کرد. این اتفاق شروع یک سری تحولات ریشه‌ای در عربستان بود به‌گونه‌ای که نفوذ اقتصادی و سیاسی ایالات متحده را بر این کشور بسط داد. کشف نفت پیامدهای مهمی در داخل عربستان داشت و تغییرات اقتصادی و اجتماعی مهمی را از جمله در منطقه الشریقه به وجود آورد. صنعت تازه‌متولدشده نفت تعداد زیادی از ساکنان محلی و سایر مناطق عربستان را به خود جلب کرد. با تبدیل عربستان به یکی از مهم‌ترین منابع انرژی در جهان، ساختار اجتماعی – طبقاتی و مدرن این کشور نیز شروع شد. هم‌زمان ساختارهای کارگری سیاسی و جدیدی به وجود آمد که دیگر مانند گذشته تابع وابستگی‌ها و باورهای سنتی قبایلی و قدیم نبود. آنها روابط اجتماعی جدیدی را شکل می‌دادند که مبتنی بر منافع مشترک صرف‌نظر از خصوصیت‌های قبایلی و طایفه‌ای افراد بود. نخستین اعتصاب کارگران در منطقه الشریقه سال ۱۹۴۴ اتفاق افتاد. کارگران خواسته‌های صغی و سندیگاری خود را مطرح کردند. نخستین کمیته کارگری در سال ۱۹۵۲ شکل گرفت و کوشید خود را به‌عنوان نماینده کارگران شرکت استاندارد اویل معرفی کند. می سال ۱۹۵۶ تظاهرات کارگری دیگری علیه پایگاه نیروهای آمریکایی در الظهران به راه افتاد. این بار نیز شیعیان به صورتی فعال در کنار کارگران سعودی مشارکت داشتند و حتی تعدادی از آنها جز، رهبران و فعالان کارگری محسوب می‌شدند. وقتی یک تجمع گسترده در نیمه ژوئن ۱۹۵۶ در یکی از مزارع قطیف تشکیل شد و رهبران کارگران در آن اقدام به ایراد سخنان آتشین کردند، نیروهای امنیتی به این تجمع یورش برده و تعداد زیادی از کارگران و روشنفکران حاضر در آن تجمع اعم از شیعه و سنی را بازداشت کردند. اعتراضات کارگری باز هم ادامه پیدا کرد و اوج آن در ۲۳ سپتامبر ۱۹۵۶ و در اثنای دیدار «جمال عبدالناصر» از عربستان سعودی بود. سال ۱۹۶۳ نیز دستگیری‌های گسترده‌ای صورت گرفت. یک بیانیه رسمی از طرف دولت منتشر شد و گفت گروهی شیعی را دستگیر کرده است که هدفشان ترویج تفکراتی ویرانگر و تعرض به امنیت دولت بوده است. بعد برای این افراد احکام سنگینی بین ۱۵ تا ۱۵ سال زندان بریده شد. اغلب این محکومان را شیعیان تشکیل می‌دادند. در جهان عرب، شیعیان نیز مانند ناسیونالیست‌ها، یعنی‌ها، کمونیست‌ها و ناصری‌ها، از ابتدای فعالیت‌های مخفی سیاسی نقش تعیین‌کننده‌ای داشتند.

سال ۱۹۶۹ صدها نفر از مناطق مختلف عربستان (که شیعیان نیز نیمی از آنها را تشکیل می‌دادند) به بهانه کشف یک توطئه برای سرنگونی نظام بازداشت شدند. بعد معلوم شد بیشتر آنها نظامیان و افسران بودند و حتی یک شیعه نیز بیشان نبود.

ادامه در صفحه ۱۲

العوامیه زیر سایه بن سلمان

العوامیه، شهرکی در منطقه نفت خیز شرق عربستان، سه ماه است که دور از چشم افکار عمومی جهان صحنه جنگی سنگین میان شیعیان مسلح و نیروی ارتش عربستان است. تصاویر ماهواره‌ای خبر از تخریب کامل یک محله این شهرک می‌دهند. در شبکه‌های اجتماعی تصاویری بازنشر می‌شوند که درگیری‌های مسلحانه و ساختمان‌های تخریب‌شده العوامیه را نشان می‌دهند. به‌نظر می‌رسد مرکز درگیری‌ها محله المسوره، محله‌ای تاریخی در مرکز این شهرک است. کوچه‌های تنگ این محله صحنه درگیری معترضان شیعه با نیروهای ارتش عربستان است. یکی از دلایل این درگیری‌های خشونت‌بار طرح ریاض برای تخریب محله تاریخی العوامیه است. دولت عربستان تصمیم دارد این محله را که قدمتی ۴۰۰ساله دارد برای ساخت یک مرکز خرید تخریب کند. این تصمیم با مخالفت شدید ساکنان العوامیه روبه‌رو شده است که نگران نابودی میراث فرهنگی خود هستند.

در این راستا سازمان ملل نیز سه ماه پیش از عربستان خواسته بود تخریب محله تاریخی العوامیه و کوچ اجباری ساکنان این محله را فورا متوقف کند. کریمه بنون، گزارشگر ویژه سازمان ملل برای حقوق فرهنگی، از نگرانی سازمان ملل درباره «تخریب جریان‌ناپذیر میراث فرهنگی» العوامیه خبر داده بود. سیاستن سوزن، کارشناس امور خاورمیانه از «بنیاد آلمانی برای سیاست خارجی»، در گفت‌وگو با دویچه‌وله ابراز تردید کرده است هدف ریاض از تخریب محله قدیمی العوامیه، بازسازی محله‌ای قدیمی با هدف بهبود کیفیت زندگی مردم العوامیه باشد. ۱۰ درصد از جمعیت ۳۰ میلیون‌فتری عربستان شیعه هستند. اغلب شیعیان عربستان در مناطق نفت‌خیز شرق این کشور زندگی می‌کنند. اما با وجود این، سهم زیادی از ثروت ملی عربستان نمی‌برند همان‌طور که در تصمیم‌گیری‌های سیاسی این کشور نیز چندان نقشی ندارند. اکثریت سنی مذهب عربستان پیرو علمای وهابی هستند که شیعیان را مرتد می‌دانند.

قدرت‌نمایی ولیعهد

«اندرو هموند»، کارشناس عربستان، دلیل برخورد سخت حکومت عربستان با شیعیان العوامیه در شرایط کنونی را قدرت‌نمایی ولیعهد ماجراجوی جدید این کشور دانسته است. هموند که درحال‌حاضر در دانشگاه اسکفورد مشغول تحقیق است، به دویچه‌وله می‌گوید: ولیعهد جدید عربستان می‌خواهد نشان دهد که از پس مخالفان شیعه داخل کشور برمی‌آید و خارج از مرزها هم توان برخورد با ایران را دارد. سیاستن سوزن، کارشناس امور خاورمیانه از «بنیاد آلمانی برای سیاست خارجی»، هم بر این نکته تأکید می‌کند که اکثریت سنی‌مذهب عربستان اقلیت شیعه این کشور را جماعتی ناراضی و در بدترین حالت حتی تروریست می‌دانند و ادعا می‌کنند که مورد حمایت ایران هستند و از آن کشور پول می‌گیرند. اما این کارشناس خاورمیانه این برداشت را نتیجه تبلیغات منفی حکومتی و نفرت‌برانگی علمای وهابی علیه شیعیان می‌داند. او به دویچه‌وله می‌گوید سیاستی که عربستان در العوامیه در پیش گرفته ممکن است موفق باشد و حکومت مرکزی موفق شود با وجود مخالفت سازمان ملل و دیگر کشورها شیعیان العوامیه را متوقف کند. سوزن برای مثال به اعتراض‌های سال ۱۹۷۹ در شهر القطیف اشاره می‌کند و یادآور می‌شود حکومت عربستان آن زمان مرکز شهر تاریخی القطیف را هم با خاک یکسان کرد و جای آن یک پارکینگ و مسجد برای سنی‌ها ساخت.



عکس: AFP

«سید رضا موسوی‌نیا»، استاد روابط بین‌الملل در گفت‌وگو با «شرق»:

ریاض تنها به دنبال حفظ بقای خود است

اما تحولات کنونی داخلی در عربستان مانند تحول در مسائل مربوط به

زنان یا شکل جدید شهرهای بزرگ عربستان به‌خصوص ریاض نشان می‌دهد که جوانان به‌تدریج در حال فاصله‌گرفتن از افکار و طبقات مذهبی هستند. ریاض هم سعی می‌کند خود را دولتی مدرن نشان دهد و هم رضایت را در میان طبقات اجتماعی ایجاد کند. نسل جوان عربستان که اکنون به قدرت رسیده، اگر به دنبال تحول نباشد، با اعتراضات اجتماعی روبه‌رو می‌شود و اگر به دنبال تحول باشد، باز با بحران اجتماعی روبرو خواهد بود؛ چراکه برای حکومت‌های دیکتاتور، خطرناک‌ترین لحظه، لحظه‌ای است که دست به اصلاحات می‌زنند. بنابراین، به نظر من دولت عربستان بحران‌هایی جدی پیش‌رو خواهد داشت.

کس می‌توان گفت که محمد بن سلمان تلاش دارد که در میانه حرکت کند، هم در بعد سیاست خارجی و هم در سیاست داخلی؟

در بعد داخلی مثلاً وقتی حقی مانند رانندگی به زنان داده می‌شود، جامعه به سمت مطالبات بعدی پیش می‌رود؛ اینجاست که بن سلمان با مشکل مواجه می‌شود چراکه ساختار قبیله‌ای نمی‌تواند به این مطالبات پاسخ دهد. در بعد خارجی نیز عربستان به دنبال هژمون‌گرایی به معنای اصلی آن نیست بلکه ریاض تنها به دنبال حفظ بقای خود است؛ یعنی آن چیزی که برای دولت‌مردان ریاض اولویت دارد، امنیت حیاتی است. اما گاه این حفظ امنیت ایجاب می‌کند که تهاجمی رفتار کند؛ اما این تهاجمی‌رفتارکردن به مفهوم افزایش قدرت نیست. در حقیقت آن چیزی که در رئالیسم تهاجمی مطرح می‌شود، حفظ بقاست و عربستان برای این بقا هزینه می‌کند؛ مثلاً بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های مالی که عربستان در سطح بین‌المللی انجام می‌دهد، لزوماً با هدف کسب سود نیست و تنها برای حفظ بقاست. چراکه زمانی که هزینه‌های ساقط‌شدن حکومتی بالا می‌رود، قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل کمتر به سراغ گزینه تغییر می‌روند.



عربستان برای بقا هزینه می‌کند؛ مثلاً بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های مالی که عربستان در سطح بین‌المللی انجام می‌دهد، لزوماً با هدف کسب سود نیست و تنها برای حفظ بقاست. چراکه زمانی که هزینه‌های ساقط‌شدن حکومتی بالا می‌رود، قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل کمتر به سراغ گزینه تغییر می‌روند

ک مهم‌ترین تهدید برای این بقا چیست؟

عربستان مهم‌ترین تهدید خود را موجی می‌داند که بعد از بهار عربی ایجاد شده و این موج به صورت اجتناب‌ناپذیر در جامعه عربستان مشاهده می‌شود؛ مثلاً شیعیان در عربستان در مناطق نفتی ساکن هستند و تبعیض بسیار جدی علیه آنها اعمال می‌شود. ریاض اگر بخواهد شیعیان را مانند سنی‌ها در سیستم لحاظ کند، در ساختار قدرت دچار مشکل می‌شود و اگر آنها را در فقر نگه دارد، بالاخره اعتراضات روزی به اوج خود خواهد رسید و هزینه سزوکوب شیعیان برای سعودی‌ها بسیار بالااست. فکر می‌کنم در بعد داخلی، ترس ریاض از این اعتراضات و در بعد منطقه‌ای مهم‌ترین هراس آنان از جمهوری اسلامی است. **ک در واقع عربستان بهترین دفاع را حمله می‌داند و فکر می‌کند با حمله می‌تواند ضعف‌های خود را بپوشاند؟**

بحثی داریم به نام «النصر بالعرب»؛ یعنی می‌توانید گاهی پیروزی را از طریق ایجاد ترس به دست آورید. اکنون در حوزه استراتژیک نیز تمامی تئوری‌ها در حال حرکت به این سمت هستند؛ یعنی در ۵۰ سال اخیر تئوری‌ها از مؤلفه‌های مادی در روابط بین‌الملل به مؤلفه‌های معنایی سوق پیدا کرده‌اند؛ یعنی «تصویر» و «بیان» بسیار اهمیت پیدا می‌کند. در اینجااست که گفتمان بسیار پراهمیت می‌شود. به همین دلیل در روابط بین‌الملل، منظره‌های واقع‌گرا و آرمان‌گرا تبدیل به مناظرات معنایی می‌شود. بنابراین معنا بسیار اهمیت دارد. چه در روابط بین‌الملل و چه در عرصه سیاست خارجی و سیاست داخلی. حتماً پس اگر حکمرانی بتواند گفتمانی منسجم، مقبول و مشروح ایجاد کند، حتماً

روابط در داخل کشورها عموماً بر پایه تعاملات بین احزاب و گروه‌ها شکل می‌گیرد. اما در کشورهای جهان سوم قدرت به گونه‌ای بین بازیگران اصلی تقسیم می‌شود. عربستان سعودی یکی از همین کشورهاست که فقط چند گروه اصلی در رأس قدرت هستند؛ این گروه‌ها گاه در امتداد هم و گاه در تعارض با یکدیگر حرکت می‌کنند. هر یک از این گروه‌ها، خود زیرمجموعه‌هایی دارد که پیوند و رابطه قدرت میان آنها را گسترده‌تر کرده است. منبع اصلی قدرت در تمام سطوح حکومتی عربستان سعودی متکی بر سلطنت مطلقه آل سعود بوده و شاه و شاهزادگان طراز اول از قدرت و آزادی عمل گسترده‌ای برخوردار هستند. از همین‌رو، بسیاری از تحلیلگران بین‌المللی باور دارند این نظام با توجه به تغییرات درونی در داخل عربستان، به سمت فروپاشی در حال حرکت است. «سید رضا موسوی‌نیا»، استاد روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی، نیز با تأیید این دیدگاه در گفت‌وگو با «شرق» تأکید می‌کند، «اگر نسل جدید جوان به‌قدرت‌رسیده در عربستان به دنبال اصلاحات نباشد، به‌زودی با بحران‌های اجتماعی زیادی روبه‌رو می‌شود که در درازمدت به فروپاشی این کشور منجر می‌شود؛ این در حالی است که اجرای اصلاحات، بدون شک مخالفت سران قبایل بزرگ را به دنبال خواهد داشت و دقیقاً به همین دلیل «محمد بن‌سلمان» ولیعهد جوان کنونی این کشور به شدت در تلاش است هر دو نسل را راضی نگه دارد.

ک ساختار اجتماعی عربستان به چه گونه‌ای است؟

در دوره‌ای که در رادیو و تلویزیون مشغول فعالیت بودم، بیشتر در حال بررسی شرایط نخبگان سعودی بودم. اما چیزی که از شیوه حکمرانی عربستان بر می‌آید، این است که در واقع، طبقات اجتماعی در عربستان به مفهوم غربی وجود ندارد و سازوکارها عشیره‌ای و طایفه‌ای است. عشیره‌ها و طایفه‌ها مسائل خود را مبتنی بر یک رابطه سلسله‌مراتبی حل‌وفصل می‌کنند. همچنان، پادشاه در یک بار عام می‌نشیند و سران قبایل را دعوت و مسائل آنها را با هم حل می‌کند.

ک در حقیقت، مانند شیوه حکمرانی ناصرالدین شاه در ایران؟

بله، دقیقاً به همان شیوه و این شیوه را خودشان سنت پیامبر می‌نامند. بنابراین، اینکه مقامات از چه طایفه‌ای هستند، بسیار حائز اهمیت است، حتی در سلسله‌مراتب قدرت نیز این مسئله اهمیت دارد. یکی از ویژگی‌های خوب «محمد بن‌سلمان» برای ولیعهد اولی آن بود که از سمت مادری طایفه قدرتمندی داشت. این مسئله حتی از مذهب در عربستان مهم‌تر است. در عراق هم، به همین ترتیب است و طایفه‌ها و عشیره‌ها مهم‌تر از مذاهب شیعه و سنی هستند. پس عربستان را از این زاویه باید دید؛ نظم اجتماعی که در آنجا حاکم شده هم به همین ترتیب است؛ یعنی سخن سران قبایل فصل‌الخطاب است.

ک این سنت تا چه اندازه از سوی جوانان سعودی پذیرفته می‌شود؟

اکنون جوانان سعودی به دلیل امکانات مالی دامن‌ا در حال سفر به کشورهای دیگر هستند. از سوی دیگر، عربستان دانشگاه‌هایی با رتبه‌های بسیار بالا دارد. به همین دلیل، از یک طرف دانشگاه‌ها و از یک طرف فضای مجازی، شرایطی جدید را برای جوانان مهیا کرده و آنان در آینده شاید خلاف سنت‌ها عمل کنند. بخش مهمی از بی‌عدالتی و توزیع ناعادلانه ثروت را باید در همین سلسله‌مراتب عشیره‌ای دید که در ساختار اجتماعی عربستان همواره وجود داشته است.

ک یعنی، شیوه سیاست در ریاض حکومت‌محور است و منصب‌ها بر اساس طایفه‌ها تقسیم می‌شوند؟

بله، مثلاً فرض بفرمایید تقریبات شاهزادگان و سران قبایل را وزارت کشور نظارت می‌کند. حتی مواخذه‌های سیاسی کاملاً کنترل‌شده نسبت به سران قبایل و شاهزادگان اجرا می‌شود.

ک با توجه به افزایش موج روشنفکری در میان جوانان سعودی و این تقسیم‌بندی‌ها نااعدانه سیاسی و اقتصادی، امیدی به تحول درونی در این کشور هست؟

نگاه سیاست خارجی نسل جوانی که در عربستان روی کار آمده است، مشخصاً محمد بن‌نایب، محمد بن‌سلمان، محمد بن‌عبدالله، بر این است که به آمریکا نزدیک شوند و به نظر من، حمله به یمن نیز با همین هدف بود. از سوی دیگر، آنان پس از سقوط دولت حسنی مبارک در مصر فهمیدند که این سرنوشت برای آنان نیز رقم خواهد خورد. بنابراین، ساختار حکومتی کنونی سعی می‌کند فروپاشی را به تأخیر بیندازد. در بعد سیاست خارجی نیز، معتقدم نسل جدید به دنبال خرید پرستیژ برای خود و ایجاد این تصویر در سطح بین‌الملل است که ما می‌توانیم بقای خود را حفظ کنیم. اما در سطح داخلی، تناقض اینجاست که نسل جوان هرچقدر به سمت آزادی پیش برود، از طایفه مذهبی دورتر می‌شود. پس مشکل کنونی بن‌سلمان این است که اگر بخواهد عربستان را مدرن کند، جوابی برای افراد مذهبی و سران قبایل ندارد؛ اگر هم این مدرن‌سازی را نادیده بگیرد، او نمی‌داند با جوانی که در دانشگاه‌ها درس می‌خواند، در شبکه مجازی فعال است و به خارج از کشور می‌رود، چه